امری مستعجل بود.

این سخن خوبروی‌پاک مبتنی بر این استدلال است که مردم کردستان ایران خواستار جدایی از ایران نبودند و خود را ملت مستقلی نمی‌دانستند زیرا اگر چنین انگاره‌ای در میان آنان قدرت داشت، یکی از بهترین زمان‌ها برای تحقق این هدف در پایان جنگ جهانی اول رخ نمود. در این دوران هم اعلامیه ویلسون، رئیس‌جمهور آمریکا درباره حقوق ملت‌ها برای تعیین سرنوشت خود صادر شده بود و هم در قرارداد سور (sevre) پیش‌بینی شده بود که یک دولت کرد در خاک عثمانی ایجاد شود. خوبروی‌پاک به‌درستی می‌گوید که کردهای ایران اما دنبال این طرح‌ها نرفتند و حتی فاتحان جنگ جهانی اول نیز هنگام پیش‌بینی تشکیل دولت در کردستان آن را منحصر به کردستان جداشده از ایران در زمان جنگ چالدران می‌دانستند.

تمرکززدایی و خودمدیری

دیگر کتاب مهمی که خوبروی‌پاک در ادامه این مباحث در ایران منتشر کرد، کتابی است با نام «تمرکززدایی و خودمدیری» که نشر «چشمه» چاپ اول آن را در سال ۱۳۸۴ به بازار عرضه کرد. در این کتاب نویسنده نخست در پیشگفتار کتاب به توضیح برخی مفاهیم نظیر خودمختاری در رشته‌های علمی مختلف چون علوم سیاسی، حقوق خصوصی و حقوق عمومی می‌پردازد و در ادامه از آشفتگی در مصداق و مفهوم خودمختاری در ایران سخن به میان می‌آورد. در ادامه نیز با نگاهی کوتاه به پیشینه تاریخی این مباحث در ایران نشان می‌دهد که چگونه این نه مردم و اعضای گروه‌های قومی که نخبگان قومی بوده‌اند که با دمیدن در این شعارها و بدون آگاهی از عوارض آن، خواسته‌اند برای خود محبوبیت و وجاهتی در میان اقوام فراهم سازند. خوبروی‌پاک البته قائل به تمرکزگرایی غلیظ نیز نیست و ازقضا می‌گوید، باید با الگوهای تمرکززدایانه، حقوق اقوام در ایران به‌رسمیت شناخته شود و تا حد امکان برآورده شود، اما آنچه در اثر او اهمیت دارد، روشن‌ساختن این نکته است که به‌اصطلاح هر گردی گردو نیست و نباید با خیال خوش جدایی‌طلبی، تصور کرد که راه نیل اقوام ایرانی به سعادت گشوده خواهد شد. از همین منظر او برای آنکه سخنش با سخنان سایر گروه‌های سیاسی قوم‌گرا مشابهت پیدا نکند، اصطلاح «خودمدیری» را برمی‌گزیند: «نگارنده ترجیح می‌دهد که در مسائل حقوقی، اداری و سیاسی (نه در فلسفه و حقوق خصوصی) اصطلاح خودمدیری به جای خودمختاری به کارگرفته شود تا شاید هم تحریم حاکمان خنثی یا تعدیل شود، هم برای دلباختگان خسته‌دل این روش نشان داده شود که خودمختاری، گریز از مرکز و استقلال نیست.»

بخش عمده این کتاب البته به ایران اختصاص ندارد، بلکه نویسنده در عمده مطالب اثر به بررسی تراکم و تراکم‌زدایی می‌پردازد و عوامل و شروط و فرآیند و شیوه‌های گوناگون تمرکززدایی را توضیح می‌دهد. او میان تمرکززدایی سرزمینی، خدماتی، اختیارسپاری و منطقه‌مداری نیز تمایزهایی قائل می‌شود. همچنین معتقد است، باید مرز میان تمرکززدایی و فدرالیسم را جدی گرفت: «تمرکززدایی به وسیله دولت مرکزی، برابر با مقرراتی ملی، بر حسب شکل‌ها و روش‌های گوناگون به وجود می‌آید و این تفاوت اساسی میان تمرکززدایی و فدرالیسم است. تمرکززدایی عموماً شکلی از تقسیم قدرت در داخل نظم وحدت‌گراست، درحالی‌که در فدرالیسم کثرت حکومت‌ها وجود دارد.»

در بخش‌های بعدی نیز کتاب روی بحث «خودمدیری» متمرکز می‌شود و شرایط جامعه خودمدیر توضیح داده می‌شود. این شرایط از نظر خوبروی‌پاک چنین است؛ خوداثباتی، خودسازماندهی و خودگردانی. در اینجا نیز او می‌نویسد: «هر دولت عضو کشوری فدرال خودمدیر است اما هر واحد خودمدیری در داخل یک کشور، واحدی از یک کشور فدرال نیست. از این روی، جامعه خودمدیر را نباید با دولت‌های عضو یک کشور فدرال اشتباه گرفت؛ تفکر غلطی که در نزد برخی نخبگان قومی ایران فراوان است. زیرا فئودالیسم از یک دیدگاه فن آرایش قدرت سیاسی است که با جدایی قدرت‌های ویژه مانند مقننه، مجریه و قضایی در هر یک از دولت‌های عضو فدراسیون صورت می‌گیرد. در چنین ساختاری دو مشخصه اساسی عبارت است از قلمرو مشترک و قلمرو ویژه هر دولت. درحالی‌که خودمدیری را می‌توان سازشی میان جامعه محلی با دولت مرکزی دانست. سازشی که صلاحیت و اختیار دولت مرکزی را در موارد سیاست خارجی، دفاع، مسائل پولی و برخی امور دیگر به‌رسمیت می‌شناسد و جامعه محلی را از مداخله در آن امور بازمی‌دارد اما به جامعه محلی حق اداره «منافع مخصوصه» خود را اعطا می‌کند.» از این منظر خودمدیری مجموعه‌ای از اصول و تجارب است که هدف نهایی آن در کشورهای چندقومی را می‌توان چنین خلاصه کرد: «تغییر وضع سیاسی ـ اجتماعی به‌گونه‌ای که هر قوم و ملتی بتواند در مورد مسائل ویژه خود اظهارنظر کرده و تصمیم‌های لازم را بگیرد.» او خودمدیری را به دو نوع خودمدیری شخصی و فرهنگی و خودمدیری سرزمینی تقسیم می‌کند و در همین زمینه از دو نمونه کاملاً موفق خودمدیری در دو کشور دانمارک و فنلاند نام می‌برد.

فدرالیسم در جهان سوم

خوبروی‌پاک در اثر دو جلدی «فدرالیسم در جهان سوم» اما یکی از مهمترین و جامع‌ترین آثار به زبان فارسی درباره فدرالیسم را به رشته تحریر درآورد. این اثر که در سال ۱۳۸۹ در نشر «هزار» منتشر شد، شامل بررسی وضعیت ۱۶ کشور فدرال است. این کشورها عبارتند از: امارات‌متحده عربی، پاکستان، مالزی، هند، بوسنی و هرزه‌گوین، صربستان و مونته‌نگرو، آفریقای جنوبی، اتیوپی، جزایر کومور، نیجریه، آرژانتین، برزیل، سنت کیتس و نِویس، مکزیک، ونزوئلا و میکرونزی می‌شود. صورتبندی کلی این کتاب چنین است که نویسنده درباره هر کشوری به پنج موضوع اصلی اشاره می‌کند: پیشینه تاریخی هر کشور، بررسی فدرالیسم در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی، بررسی زمینه‌های حقوقی فدرالیسم، بررسی زمینه‌های مالی و اقتصادی فدرالیسم و دستاوردهای فدرالیسم. جز این البته به فراخور بحث درباره برخی کشورها نظیر هندوستان سرفصل‌های بیشتری هم مورد توجه قرار گرفته است. البته در اینجا نیز همانطور که در مقدمه اثر ذکر شده است، هدف نویسنده آگاهی‌یافتن خوانندگان از محدودیت‌ها و امکانات فدرالیسم و کاستن از سرگشتگی‌های بی‌فرجام برخی از ایرانیان در این زمینه و گشوده شدن روزنه‌ای به سوی چشم‌اندازی گسترده‌تر است تا بدین طریق «از این راه از هیاهوی بسیاری که امروزه به‌ویژه در خارج از کشور، در مورد فدرالیسم به‌عنوان «کیمیای سعادت» به راه افتاده است، رهایی یابیم و آنگاه بهتر به یافتن راه‌حل ایرانی همزیستی قوم‌های ایرانی بپردازیم.»

او در تعریف خود از فدرالیسم اصول اساسی آن را چنین تعریف می‌کند: ۱ـ اصل تقسیم حاکمیت که طی آن افزون بر تفکیک قوای سه‌گانه، دوگانگی حاکمیت نیز میان دولت فدرال و حکومت‌های محلی ایجاد می‌شود. ۲ـ اصل خودمدیری سیاسی که طبق آن هر یک از حکومت‌های ایالتی در قلمرو صلاحیت‌ها و اختیارهای تعیین‌شده، خودمدیر و مسئول هستند، بنابراین حکومت‌های محلی زیر قیمومیت دولت فدرال نیستند. ۳ـ اصل مشارکت که براساس آن جوامع محلی در نهادهای فدرالی شرکت دارند و معمولاً این مشارکت از طریق تشکیل مجالس دوم محقق می‌شود و البته نحوه مشارکت ایالت‌ها در تصمیم‌گیری‌های دولت مرکزی در هر کشور متفاوت است. ۴ـ قوه قضائیه مستقل و دیوان قانون اساسی که حافظ و قوام‌بخش سه اصل پیشین هستند و نگاهبانی از قانون اساسی را برعهده دارند. این دادگاه می‌تواند آن دسته از تصمیم‌های مقام‌های مختلف را که با اصل‌های فدرالیسم ناسازگار باشند، باطل کند.

خوبروی‌پاک معتقد است، از پایان سده ۱۸ نمونه آمریکایی دولت فدرال به‌عنوان الگو مورد توجه قرار گرفت و کشورهایی در این زمینه از قانون اساسی آمریکا تقلید کردند. برای نمونه او به اصلاحاتی در قوانین اساسی سوئیس (۱۸۴۸)، کانادا (۱۸۶۷)، استرالیا (۱۹۰۱)، اتریش (۱۹۲۰) و آلمان (۱۹۴۹) اشاره می‌کند. ویژگی مشترک این کشورها و شباهت‌شان با آمریکا در این بود که همه آنها صنعتی و دموکرات بودند و نظام فدرالی در آنها به حکومت‌های محلی اجازه می‌داد از دموکراسی محلی حمایت کنند و فضای اقتصادی مشترکی نیز داشته باشند. البته در الگوی اولیه آمریکایی دولت چندان در امور اجتماعی و اقتصادی مداخله نمی‌کرد و وظیفه خود را بیشتر برقراری نظام عمومی حکمرانی تلقی می‌کرد. بعدتر اما با صنعتی‌شدن روزافزون جوامع، نیاز به مداخله دولت بیشتر احساس شد و نیاز به نهادهایی میان حکومتی پدید آمد که بتوانند میان دولت فدرال و حکومت‌های محلی هماهنگی‌های بیشتری ایجاد کنند. این امر منجر به شکوفایی نوعی دیگر از فدرالیسم موسوم به «فدرالیسم همیاری» شد. جز این مورد برخی از کشورهای جنوبی آمریکا نظیر برزیل، مکزیک، آرژانتین و ونزوئلا هم نظام فدرالی را در قرن نوزدهم برگزیدند تا از این طریق به آشتی میان خودمدیری سرزمینی و حاکمیت دولتی متمرکز همت گمارند.

الگوی سوئیسی خود اما منبع الهام فدرالیسم در شوروی، یوگسلاوی، حتی هند و مالزی شد. با این همه تجربه اتحاد جماهیر شوروی نشان می‌دهد فدرالیسم لزوماً به دموکراسی نمی‌انجامد. در این کشور و نیز در کشورهایی چون یوگسلاوی و چکسلواکی آنچه در عمل محقق شد، نظامی تک‌حزبی و دولتی متمرکز بود. از نظر خوبروی‌پاک: «در این کشورها در پشت روبنای حقوقی دلفریب فدرالیسم که آن را برابر با دموکراسی و کثرت‌گرایی قرار می‌دهند، مفهوم «توتالیتاریسم» قرار داشت که در آن خودمدیری، توهمی بیش نبود.»

موج بعدی فدرالیسم در جهان سوم و پس از پایان دوران استعمار در کشورهای استقلال‌یافته ظهور کرد. هدف اعلامی فدرالیسم در این کشورها نظیر هند، پاکستان و نیجریه، تضمین همزیستی میان اقوام، ادیان، زبان‌ها و خرده فرهنگهای گوناگون در اجتماعی نوین بود. این امر البته به تمامی به‌طرزی بومی صورت نگرفت و می‌توان نشانه‌هایی از آثار مداخله قدرت‌های استعماری در ایجاد نظام‌های فدرال را در این کشورها مشاهده کرد. از نظر خوبروی‌پاک در بسیاری از این کشورها نظامی تک‌حزبی و دیکتاتوری بر اریکه قدرت تکیه زد و دموکراسی را پایمال کرد.

الگوی چهارم فدرالیسم اما در در دوران پس از فروپاشی شوروی نمایان شد. در این عصر روسیه برای بنیادگذاری اقتصاد و تثبیت سلطه اقتصادی و نظامی خود و کشورهایی چون بوسنی و هرزگوین، صربستان، مونته‌نگرو به‌دلیل فشارهای جامعه بین‌المللی نظام فدرالی را برگزیدند. آفریقای جنوبی پس از آپارتاید و اتیوپی نیز به این دلیل به فدرالیسم گرایش پیدا کردند که همزیستی قوم‌ها را سامان بخشند.

روی‌هم‌رفته از نظر خوبروی‌پاک تجربه فدرالیسم در اقصی نقاط جهان گواهی است بر این واقعیت تلخ که صرف پذیرش فدرالیسم و نظام نامتمرکز منجر به تحقق دموکراسی و احقاق حقوق اقوام و اقلیت‌ها نمی‌شود. در بسیاری از تجربه‌های فدرالی، فدرالیسم نقابی است برای قدرت‌گیری جنگ‌آوران محلی و دیکتاتورهای سرکش. در بسیاری از موارد فدرالیسم فقط به تفرقه و شکاف‌های گسترده در میان اقوام منجر شده است. نتیجه آنکه نه همه حکومت‌های فدرال، دموکراتیک اداره می‌شوند و نه همه دموکراسی‌ها، لزوماً حکومت‌هایی فدرال هستند. با این همه از نظر خوبروی‌پاک، برای برقراری دموکراسی در هر کشوری لازم است که در الگوهای تمرکزگرا تجدیدنظر و تعدیل صورت بگیرد تا بتوان به اشکالی از خودمدیری معقول، مشارکت و همکاری دست یافت. این تجدیدنظر البته فقط یک پاسخ و آن هم فدرالیسم ندارد، بنابراین تمرکززدایی را نباید با فدرالیسم اشتباه گرفت. از این منظر نظام‌های دیکتاتوری هم مصداق تمرکزگرایی مطلق هستند و به همین دلیل نمی‌توانند به دموکراسی و حفظ حقوق گروه‌های اجتماعی نائل آیند.

شرکت ملی گاز ایران
شرکت پالایش گاز فجر جم

آگهی مناقصه (نوبت اول)

شرکت پالایش گاز فجر جم درنظر دارد مناقصه‌های مندرج در جدول ذیل از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) برگزار نماید.کلیه مراحل برگزاری مناقصه (اعلام آمادگی، فیش واریزی بابت خرید اسناد مناقصه، ارائه پیشنهادات فنی/مالی و بازگشایی پاکات) از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) به آدرس:WWW.SETADIRAN.IR انجام خواهد شد. لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی‌امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه، مرکز تماس: ۴۱۹۳۴-۰۲۱ می‌باشد.

۱- نام ونشانی دستگاه مناقصه‌گزار: شرکت پالایش گاز فجر جم
۲- موضوع مناقصات: وفق جدول ذیل به صورت

ردیف	عنوان مناقصه	شماره فراخوان در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت	روش دعوت / مراحل اجرای تشریفات	میزان تضمین (به ریال)	مهلت دریافت اسناد از طریق سامانه ستاد	مهلت تحویل اسناد مناقصه از طریق سامانه ستاد	گواهینامه مورد نیاز
۱	خدمات تعمیر و نگهداری ساختمانی مستغلات پالایشگاه	۲۰۰۳۰۹۲۲۷۳۰۰۰۰۱۱	ارزیابی کیفی / یك مرحله ایی	۱۵,۹۰۰,۰۰۰,۰۰۰/-	تا ساعت ۱۹:۰۰ روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۲۴	تا ساعت ۱۹:۰۰ روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۰۷	رتبه ۵ گواهینامه صلاحیت پیمانکاری سازمان مدیریت و برنامه ریزی در رشته ابنیه یا گواهینامه صلاحیت اداره کار و تاییدیه درکد مربوط به تعمیر و نگهداری و همچنین ارائه گواهی تایید صلاحیت ایمنی
۲	خدمات نقلیه مجتمع مسکونی پارس جم	۲۰۰۳۰۹۲۲۷۳۰۰۰۰۱۲	ارزیابی کیفی / یک مرحله ایی	۱۶,۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰/-	تا ساعت ۱۹:۰۰ روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۲۴	تا ساعت ۱۹:۰۰ روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۰۷	رتبه ۵ گواهینامه صلاحیت پیمانکاری سازمان مدیریت و برنامه ریزی در رشته حمل و نقل یا گواهینامه صلاحیت اداره کار و تاییدیه درکد مربوط به حمل و نقل و همچنین ارائه گواهی تایید صلاحیت ایمنی
۳	تهیه و ساخت تیوب و قطعات مورد نیاز برای ریتیوب چیلر A	۲۰۰۳۰۹۲۲۷۳۰۰۰۰۱۳	ارزیابی کیفی / دومرحله ایی	۶,۷۵۰,۰۰۰,۰۰۰/-	تا ساعت ۱۹:۰۰ روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۲۴	تا ساعت ۱۹:۰۰ روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۰۷	رتبه ۵ گواهینامه صلاحیت پیمانکاری سازمان مدیریت و برنامه ریزی در رشته های تاسیسات و تجهیزات یا نفت و گاز و همچنین ارائه گواهی تایید صلاحیت ایمنی
۴	پروژه اجرای کولینگ مخزن C مایعات گازی بندرسیراف	۲۰۰۳۰۹۲۲۷۳۰۰۰۰۱۴	ارزیابی کیفی / یک مرحله ایی	۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰/-	تا ساعت ۱۹:۰۰ روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۲۴	تا ساعت ۱۹:۰۰ روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۰۷	رتبه ۵ گواهینامه صلاحیت پیمانکاری سازمان مدیریت و برنامه ریزی در رشته های تاسیسات و تجهیزات یا نفت و گاز و همچنین ارائه گواهی تایید صلاحیت ایمنی

۳- میزان و نوع تضمین شرکت در مناقصه: مطابق با جدول فوق و به‌صورت نقدی یا ضمانت‌نامه بانکی می‌باشد.
۴- آدرس استان بوشهر -شهرستان جم -شرکت پالایش گاز فجر جم-امور پیمانها (کد پستی۷۵۵۱۵۶۱۵۴۸۶۴) می‌باشد و تلفن۲۰۳۶-۳۱۶۸۲۲۵۹-۰۷۷ پاسخگوی شما خواهد بود.

شناسه آگهی: ۱۷۳۲۰۴۳

روابط عمومی شرکت پالایش گاز فجر جم

برداشت دوم

یک فیلم ژانری

درباره فیلم سینمایی «روز ششم»

رضا صائمی
منتقد فیلم

یک زندانی به‌نام احمد (با بازی مصطفی زمانی) تنها پنج‌روز فرصت دارد جواب چند معما را پیدا کند تا بتواند زنده بماند. بخشی از اتفاقات نیز در گذشته رخ داده که بدون روشن‌شدن آنها برای مشکل‌های امروز جوابی پیدا نخواهد کرد؛ احمد اگر موفق نشود، روز ششم کشته می‌شود. این خلاصه‌ای از نخستین فیلم بلند سینمایی حجت قاسم‌زاده اصل است که تلاش کرده یک فیلم ژانر ایرانی بسازد. اولین ویژگی‌ای که با تماشای «روز ششم» به ذهن متبادر می‌شود این است که با یک فیلم ژانر مواجه هستیم که ترکیبی از ژانر سرقت و ژانر معمایی است که به ژانر نئونوآر هم پهلو می‌زند. «روز ششم» را از حیث ژانر و قصه‌ای که روایت می‌کند، می‌توان در عین موقعیت‌محور بودن، شخصیت‌محور هم دانست. شخصیت احمد در فیلم هم خیلی باهوش است، هم درونگرا و مرموز که او را به یک ضدقهرمان دوست‌داشتنی و جذاب بدل می‌کند. شخصیتی چندوجهی که از بیرون درگیر کشمکش با دیگران است و از درون درگیر کشمکش‌های فردی و در جست‌وجوی هویت گمشده خود. احمد به قواعد جامعه تن داده به این معنا که قاعده بازی آن را پذیرفته. او می‌خواهد ۵۰ کیلو طلا بدزدد تا از شر حضور در جامعه راحت شود. از دزد بزند، نه از مردم. ما باید سهمی از جهان برداریم، بنابراین باید وارد بازی آن شویم. یکی از ویژگی‌های «روزششم»، توجه به فضا و محیط شهری است. شهر در اینجا هم در خدمت قصه و منطق درام قرار می‌گیرد، هم از حیث تصویری، قابلیت‌های زیبایی‌شناسی دارد و درنهایت در خدمت روایت قصه قرار می‌گیرد. «روز ششم» تلاشی برای ساخت فیلمی است که شبیه بقیه فیلم‌های دنیاست، اما همچنان ایرانی است. «روز ششم» یک نئونوآر ایرانی است که معمایی، جنایی و رازآلود است و از ساب ژانر سرقت هم استفاده کرده است. من سعی کردم یک فیلم ژانر ایرانی بسازم. هم التزام به قواعد ژانر برایم اهمیت داشت، هم بومی و ایرانی‌بودن آن. این اتفاقاً کار سخت‌تری است که بخواهی با مدل و الگویی جهانی، فیلمی بومی بسازی. «روز ششم» شبیه هیچ کدام از فیلم‌هایی که در تمام این سال‌ها در سینمای ایران دیدیم، نیست. معمولاً وقتی ژانرنوآر را از سینمای آن طرف آب الهام می‌گیریم، حجم زیادی از ابزار پیاده‌سازی آن را در سینمای ایران نداریم؛ یعنی در تعریف کلاسیک نوآر باید قهرمانی داشته باشیم که در تنگنا قرار می‌گیرد و بابت یک زن معمولاً رو به تباهی قدم برمی‌دارد. برجسته‌ترین ویژگی فیلم «روز ششم»، شجاعت فیلمساز است که می‌توان آن را از چند جنبه بررسی کرد؛ از جنبه تلاش برای ساخت یک فیلم ژانر، همچنین تلاش برای دیالوگ‌نویسی ویژه آن. در فیلم «روز ششم» فیلمساز این خطر را به جان می‌خرد که عده‌ای که ممکن است نگاه سطحی‌تری به منطق روایی سینما داشته باشند، این مشکل را مطرح کنند که چطور ممکن است عده‌ای در داخل مغازه با هم دعوا کنند و در بیرون کسی حواسش به آنها نیست، اما کاری که او انجام می‌دهد این است که فضایی را می‌سازد که درون آن اتفاقات خشن زیادی رخ می‌دهد و این مسئله برای همه عادی شده است. حالا قهرمان کسی است که در این شهر ضمن اینکه هدف شخصی دارد به دنبال این است که شهر را به جای پاک‌تری برای زندگی تبدیل کند؛ حتی اگر دستاوردش این باشد که یک تبهکار را از بین ببرد. از این جنبه می‌توان برای فیلم ارزش قائل شد، ضمن اینکه جنس قهرمان‌پروری فیلم «روز ششم» زیاد شبیه مدل‌های متعارف سال‌های اخیر سینمای ایران نیست. بزرگ‌ترین شجاعت قاسم‌زاده اصل این است که سعی می‌کند تمام جذابیت فیلمش را از طریق سینما ایجاد کند. «روز ششم» این روزها در شبکه نمایش خانگی به اکران رسیده است. تماشایش توصیه می‌شود.